

درآمدی بر پیشینه تحقیق در وحی اسلامی

حیدر باقری اصل*

چکیده

قدمت و عظمت وحی سبب شده است که بشر در مقابل آن سکوت نکند و از زمان اولین پیامبر تاکنون در مقام فهم حقیقت وحی یا توجیه آن و یا ایراد شبهه بر آن برآید و این تلاش بشری در تفسیر وحی اسلامی موجب پیدا شدن نظریه‌های متعدد و گاه متعارض شده است. ما در درستی و نادرستی این نظریه‌ها نیازمند تحقیق و پژوهش مستقلی هستیم تا بتوانیم در میان آنها داوری کنیم و نظریه درست را از نادرست تعیین نماییم؛ ولی متأسفانه محققان مسلمان پیرامون کشف و تحصیل نظریه وحی در قرآن؛ سپس طرح، بررسی و نقد سایر نظریه‌های وحی، پژوهش جامعی انجام نداده‌اند و این مقاله درآمدی بر پیشینه چنین تحقیقی است؛ لذا اولاً، سعی دارد گزارش جامعی را از نظریه‌های موجود پیرامون وحی اسلامی ارائه نماید و ثانیاً، زمینه تحقیقهای بعدی را در وحی اسلامی نشان دهد و این دو مهم‌ترین یافته‌های تحقیق در مسأله مذکور هستند.

واژه‌های کلیدی: وحی، نظریه، قرآن، متون مقدس، مبدأ وحی، شعور و حیانی.

طرح بحث

موضوع پژوهش حاضر «درآمدی بر پیشینه تحقیق در وحی اسلامی» است. پدیده وحی یکی از آموزه‌ها و مفاهیم کلیدی و بنیادی ادیان آسمانی است. وحی و انسان تاریخ دوشادوشی دارند؛ زیرا نزول وحی به انسانهای برگزیده در طول تاریخ بشر استمرار داشته است و صدها انسان برگزیده، از آدم (ع) تا خاتم (ص) به عنوان پیامبر مخاطب وحی شده‌اند و با ختم نبوت، وحی جاویدان، که متن وحیانی قرآن است، در میان نسلهای بعدی بشر حضور یافته است و خواهد یافت و آنان را مورد خطاب قرار خواهد داد.

قدمت و عظمت وحی سبب شده است که بشر در مقابل آن سکوت نکند و از زمان اولین پیامبر تاکنون در مقام فهم حقیقت وحی یا توجیه آن و یا ایراد شبهه بر آن برآید و این تلاش بشری موجب پیدا شدن نظریه‌های متعدد و گاه متعارض پیرامون وحی گردد. این نظریه‌ها^۱ به دو قسم تقسیم می‌شوند. قسم اول نظریه‌هایی هستند که در جهت فهم حقیقت وحی طرح شده‌اند. قسم دوم نظریه‌هایی هستند که در مورد توجیه وحی طرح گردیده‌اند. طراحان نظریه‌های قسم اخیر، خود سه گروهی هستند. گروهی نظریه‌ها را به عنوان یک راه حل جدید برای مشکل یا مشکلات خاص و یا به دلیل مبانی خاص خود در فلسفه، کلام، عرفان و غیره طرح کرده‌اند؛ چنان که برخی نظریه‌های جدید وحی نظیر نظریه تجربه‌دینی، نظریه فلسفی و نظریه عرفانی وحی با این انگیزه طرح شده‌اند. گروه دیگر نظریه‌های وحی را در مقام پیدا کردن یک تحلیل قابل قبول علوم جدید و ماده‌گرایی مطرح کرده‌اند؛ چنان که نظریه‌های منکران نوگرا از این قبیلند. گروه سوم قصد ایجاد شبهه از نظریه‌پردازی دارند؛ چنان که سلمان رشدی کتاب آیات شیطانی را با این انگیزه نوشته است. این سه گروه به دنبال فهم حقیقت وحی نیستند؛ بلکه به انگیزه تطبیق و گاهی تحمیل نظریه خود بر وحی نظریه‌پردازی می‌کنند و این موضع‌گیری عامل پیدا شدن نظریه‌های متعدد و گوناگون و گاه متعارض پیرامون وحی گردیده است. این نظریه‌ها را بر اساس ملاک پذیرش و انکار به چهار گروه می‌توان تقسیم‌بندی کرد، ولی در عمل بیش از سه گروه نیستند؛ زیرا گروهی امکان و وقوع وحی را پذیرفته و گروهی انکار کرده‌اند و گروهی امکان وحی را پذیرفته و وقوع

آن را بر بشر انکار کرده‌اند، ولی گروهی که وقوع را پذیرفته و امکان را منکر شوند وجود خارجی ندارند. نظریه‌های گروه اول شامل نظریه‌های متکلمان و فیلسوفان ادیان الهی و نظریه‌های گروه‌های دوم و سوم شامل نظریه‌های منکران وحی هستند. نظریه‌های هر یک از پذیرندگان و منکران وحی به نظریه‌های سنتی و جدید تقسیم می‌شوند؛ زیرا آنها یا در عصر پیامبران و زمان قدیم به پذیرش و انکار وحی دست زده‌اند و یا در عصر جدید و نواندیشی به پذیرش و انکار وحی معتقد شده‌اند. دسته اول را پذیرندگان و منکران سنتی وحی و دسته دوم را پذیرندگان و منکران جدید وحی می‌نامیم. این مقاله اولاً، سعی دارد گزارش جامعی را از نظریه‌های موجود پیرامون وحی اسلامی ارائه نماید و ثانیاً، زمینه تحقیقات بعدی را در وحی اسلامی نشان دهد و این دو مهم‌ترین یافته‌های تحقیق در مسأله مذکور هستند.

نظریه‌های سنتی منکران وحی

اگر برای وحی سه رکن قابل شویم. یکی مبدأ و منشأ وحی و دومی گیرنده وحی یا شعور پیامبری و سومی متن وحیانی است. بر اساس آیات قرآن کریم اختلاف عمده کفار و مشرکان عصر پیامبران در دو محور مبدأ وحی و معرفت وحیانی بوده است؛ چون آنها یا مبدأ وحی (خدا) را انکار می‌کردند و یا وقوع معرفت وحیانی را غیر ممکن تلقی می‌کردند؛ لذا نظریه‌های متعدد و گوناگونی را در توجیه «سرشت معرفت وحیانی و مبدأ وحی» می‌دادند و ماهیت وحی و معرفت وحیانی را به کهانت^۱، جنزدگی^۲، شاعری^۳، داستانسرایی پیشینیان^۴، سحر و جادو^۵، تعلیم یافتن از دیگران^۶، القائات شیطانی^۷، خوابهای آشفته^۸، برخاسته از هوی و هوس^۹، افترا و کذب^{۱۰} تفسیر می‌کردند و «پیامبر» را کاهن، جنزده، شاعر، داستانسرا، ساحر و جادوگر، شیطانزده، خوابزده، کاذب، مفتر و نظیر اینها می‌پنداشتند.

در برخی از این نظریه‌ها، مبدأ وحی درونی (درون نفس انسان) و در بعضی دیگر بیرونی (بیرون از نفس انسان) دانسته شده است. این گونه تفسیرهای منکران و مشرکان، نظریه‌های وحی عصر پیامبران را به وجود آورده است.

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی تحقیق این نظریه‌ها و روایات دینی و برخی اقوال مفسران به عنوان منبع فرعی هستند.

نظریه‌های جدید منکران وحی

عده‌ای از دانشمندان مادی - به تبع آنان نواندیشان متدین - با شروع انقلاب علمی و پیدا شدن علوم جدید، به حس‌گرایی افراطی گرایش پیدا کردند و بر روی کلیه مسایل متافیزیکی - از جمله روح و وحی - خط بطلان کشیدند و آنها را جزو خرافات قدیمی شمردند و مسأله وحی را یا معلول سوء استفاده مدعیان نبوت و یا مولود بیماریهای روحی به حساب آوردند و تا پایان نیمه اول قرن نوزدهم (۱۸۴۶ م) وضع همین طور ادامه پیدا کرد. در سال ۱۸۸۲ میلادی جمعیتی به نام «جمعیت بحثهای روحی» به ریاست «اجویک» استاد دانشگاه «کمبریج» که از بزرگترین متفکران انگلستان بود، تشکیل شد. برخی از اعضای این جمعیت عبارت بودند از: «اولیفر لوج» استاد علوم طبیعی، «ویلیام کروکسی» ~~شیخ~~ ^{پدر} بزرگ انگلیسی، «فردریک سیرس» و «هودسن» استادان دانشگاه هاروارد آمریکا، «هیزلوب» استاد دانشگاه کلمبیا، «شارل ریشیه» استاد دانشکده طب و ریاضیدان بزرگ، «کامیل فلاماریون» از دانشمندان فرانسه و دانشمندان بزرگ دیگری مانند «عاری»، «باربت»، «بورمر» و جمعی دیگر این جمعیت، در باره مباحث روحی مطالعه کردند و در مدت ۴۵ سال حدود پنجاه کتاب بزرگ پیرامون روح نوشتند و به تدریج از نیمه دوم قرن نوزده میلادی (۱۸۴۶) بسیاری از مسایل و پرسشهای روحی از جمله مسأله تحلیل و تفسیر وحی را با تکیه بر علوم جدید حل کردند.^{۱۲}

این عده در صدد توجیه مبدأ وحی و شعور پیامبری برآمدند و آنها را با استفاده از علومی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و حتی علوم ادبی چون رمان

تفسیر کردند و نظریه‌های تخیل انگارانه وحی، نبوغ انگارانه وحی، نفسی انگارانه وحی و آیات شیطانی را پدید آوردند.

نظریه تخیل انگارانه وحی، وحی را نتیجه قوه تخیل دانست^{۱۳}، نظریه نفسی انگارانه وحی، آن را حضور ضمیر ناخودآگاه در ضمیر خودآگاه قلمداد کرد^{۱۴}، نظریه نبوغ انگارانه وحی، آن را نتیجه نبوغ سرشار دانست^{۱۵} و نظریه آیات شیطانی وحی را القاهای شیطان پنداشت^{۱۶}.

نظریه‌های تخیل انگارانه و نفسی انگارانه وحی را اندیشمندان مذکور بر اساس برخی مبانی روانکاوی طرح نموده‌اند و افکار و آثار روانکاوانی چون زیگموند فروید^{۱۷}، کارل گوستاو یونگ^{۱۸} و غیره زمینه پردازش آن را پدید آورده است. خاورشناس معروف «مونتینه» این نظریه را ابداع نمود و یک نویسنده مسیحی، به نام «امیل درمنگام» در کتاب «زندگی محمد (ص)» شرح و بسط داد. البته این نوشتار وحی نفسی را با تکیه بر قوه تخیل تحلیل می‌کند؛ چنان که گزارش تحلیل وحی با تکیه بر روان خودآگاه و روان ناخودآگاه را محمد فرید وجدی در دایره المعارف القرن الرابع عشر و محمد رشید رضا در تفسیر المنار آورده‌اند. این نظریه‌ها در لابلاي گفتارهای برخی نویسندگان که گاهی همراه نقد است، آمده است و کتاب الوحی المحمدی نوشته محمد رشید رضا و کتاب وحی یا شعور مرموز نوشته علامه محمد حسین طباطبایی، منشور جاوید، جلد دهم نوشته جعفر سبحانی و تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت نوشته محمد باقر سعیدی روشن از جمله آنها هستند.

نظریه نبوغ انگارانه وحی نیز، در برخی نوشته‌ها با رویکرد روانکاوی طرح شده است و روان‌شناسانی چون استار باک و ویلیام جیمز^{۱۹} و غیره^{۲۰} به علل نبوغ پرداخته‌اند و برخی با تکیه بر یافته‌های مذکور، این علل نبوغ را منشأ پیداشدن وحی پیامبران دانسته‌اند. این نظریه در کتب وحی یا شعور مرموز، نوشته علامه محمد حسین طباطبایی و الوحی المحمدی، نوشته محمد رشید رضا آمده است.

سلمان رشدی نظریه آیات شیطانی را در کتاب آیات شیطانی طرح می‌کند و استفاده از هنر ادبیات و شاهکار رمان بدان می‌پردازد و وحی را القائات شیطانی می‌پندارد^{۲۱}.

نظریه‌های سنتی فیلسوفان و متکلمان مسلمان

اندیشمندان مسلمان نیز، دوشادوش منکران و مشرکان وحی وارد بحث مبدأ وحی و معرفت وحیانی شدند و برخی از متکلمان، فلاسفه و عرفای مسلمان مبدأ وحی و ماهیت معرفت وحیانی را با مبانی کلامی، فلسفی و عرفانی خاص خود تحلیل کردند. تلاش و تکاپوی این دسته از متکلمان، فیلسوفان و عرفای مسلمان به پیدا شدن سه نظریه کلامی، عقلانی و عرفانی وحی منجر گردید.

عده‌ای از متکلمان و فیلسوفان مسلمان وحی را با رویکرد کلامی تفسیر نمودند و آن را یک شعور خاص و مستقل از سایر شعورهای عادی نظیر عقلانی و عرفانی معرفی کردند.

دو تن از علمای متقدم علم کلام، که این نظریه را بیان کرده‌اند «کندی» متکلم و فیلسوف متوفای ۲۵۶ هجری قمری و «محمد بن نعمان» ملقب به شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری قمری هستند. دیدگاه آنها در این زمینه در کتاب مصنفات الشیخ المفید، جلد چهار اوائل المقالات آمده است.^{۲۲}

ابوحامد محمد غزالی، متوفای ۵۰۵ هجری قمری نیز، این قول را در کتاب معارج القدس فی مدارج معرفه النفس بیان کرده است.^{۲۳}

همچنین عضدالدین ایجی متوفای ۷۵۶ هجری قمری این نظریه را در کتاب المواقف و سید شریف علی بن محمد جرجانی متوفای ۸۱۶ هجری قمری آن را در کتاب شرح المواقف بیان کرده‌اند.^{۲۴}

تعدادی از علمای متأخر که نظریه مذکور را در وحی پذیرفته‌اند، بدین شرح هستند:

صبحی صالح در کتاب پژوهشهایی در باره قرآن و وحی^{۲۵}، محمد عبده در کتاب رساله التوحید^{۲۶}، محمد رشیدرضا در کتاب الوحی المحمدي^{۲۷}، محمد حسین ذهبی در کتاب الوحی و القرآن الکریم^{۲۸}، محمد حسین طباطبایی در کتاب وحی یا

شعور مرموز^{۲۹}، مرتضی مطهری در کتاب ختم نبوت^{۳۰} و جعفر سبحانی در کتاب منشور جاوید^{۳۱}.

بعضی از فلاسفه مُشّا نظیر محمد ابی نصر فارابی، ابوعلی سینا و حکیم عبد الرزاق لاهیجی وحی را با رویکرد عقلانی تفسیر کرده‌اند و آن را در قلمرو عقل قرار داده و استکمال و نهایت مرحله عقل تلقی کرده‌اند.

ظاهراً مؤسس این تفسیر از وحی، فارابی فیلسوف قرن چهارم هجری قمری است^{۳۲}. وی این نظریه را در آثار خود، به ویژه در کتابهای آرای اهل المدینه الفاضله، مجموعه رسائل در مقاله معانی عقل و السیاسه المدنیه مطرح کرده‌است^{۳۳}.

حسین بن سینا، معروف به ابو علی سینا (ابن سینا) این دیدگاه را در آثارش از جمله در الالهیات من الشفا و الاشارات طرح کرده است^{۳۴}.

عبدالرزاق لاهیجی نیز، یکی از صاحب‌نظران نظریه عقلانی وحی است. او این نظریه را در کتاب گوهر مراد ارایه داده و وحی را با رویکردی عقلانی تفسیر کرده است^{۳۵}.

برخی رویکرد عرفانی را برای تفسیر وحی و شناخت وحیانی به کار برده‌اند و وحی و شناخت وحیانی را به معرفت عرفانی تحلیل کرده‌اند. یکی از چنین نظریه پردازان شبلی نعمانی است. او این نظریه را در کتاب سوانح مولوی رومی طرح کرده است^{۳۶}.

جلال الدین همایی نیز، یکی از کسانی است که وحی را با رویکرد عرفانی تفسیر می‌کند. وی در کتاب، مولوی نامه و مولوی چه می‌گوید، به این نظریه می‌پردازد و حتی تلاش می‌کند، مطالبی را از بعضی از تعبیر کنایی و عرفانی بزرگان عرفان اسلامی - از قبیل محی‌الدین ابن عربی و مولوی - برگیرد و وحی را به الهام عارفانه تفسیر کند^{۳۷}.

آیا بزرگان عرفان و تصوف، وحی نبوی را واقعاً به الهام عارفانه تفسیر می‌کنند؟ آیا در میان آثار بزرگان اهل عرفان و تصوف، تفسیر صریح وحی به الهام عرفانی مشاهده می‌شود؟ دیدگاه مولوی در مثنوی و ابن عربی در کتب و رسایل

خودش - رساله حقیقه الحقایق، رساله شجره الکون، الخلافه الکبری و الفتوحات المکیه - پیرامون وحی و علم انبیا در این زمینه چیست؟

پاسخ این است که بعضی از بزرگان - از جمله بزرگان عرفان و تصوف، که ذکرشان رفت - به این مطلب با کنایه اشاره کرده‌اند؛ اما سؤال این است که آیا به طور قطع و صریح می‌توان اثبات کرد که آنها وحی را به الهام عارفانه تفسیر کرده‌اند و وحی را در قلمرو کشف عرفانی و الهام نفسانی قرار داده‌اند. هر چند که در کتب و رسایل مذکور پاره‌ای نکات مبهم و متناقض در تفسیر وحی وجود دارد که عنوان، مؤید تفسیر وحی به کشف عرفانی و الهام نفسانی را می‌رساند؟

کتاب «عارف و صوفی چه می‌گویند؟» نوشته جواد تهرانی به پاسخ این سؤال پرداخته است.^{۳۸}

نظریه جدید فیلسوفان و متکلمان مسلمان

پیدا شدن نهضت علمی جدید که با رنسانسی مغرب زمین همراه بود به تدریج مباحث گذشته را به مباحث جدید متحول کرد و نظریه‌های جدیدی را پدید آورد. این نظریه‌ها به مذاهب یهودی - مسیحی و در مباحث متعدد نظیر دین، فلسفه دین، ایمان و وحی و غیره مربوط است و در زمینه وحی مهم‌ترین آنها «نظریه تجربه دینی» می‌باشد. محور اصلی بحث این نظریه در دو مسأله است. یکی ماهیت معرفت وحیانی و دیگری نحوه انتشار متن وحیانی (کتب مقدس) به خداست.

برخی نواندیشان و اصلاح طلبان مسلمان وحی اسلامی را بر اساس مبانی نظریه تجربه دینی تحلیل کرده‌اند و بدین ترتیب نظریه تجربه دینی را در وحی اسلامی پدید آورده‌اند.

اولین اندیشمند مسلمانی که اصطلاح تجربه دینی را در نوشتار خودش به کار برد علامه محمد اقبال لاهوری در کتاب احیای فکر دینی در اسلام است^{۳۹} و دیگر اندیشمندان مسلمان این اصطلاح را بعد از وی در آثار خود، در تفسیر وحی به کار گرفته‌اند.

عبدالکریم سروش یکی دیگر از کسانی است که تلاشهای زیادی را در تفسیر وحی اسلامی بر اساس تجربه دینی می‌کند. او در آثارش تمام همت خود را در این راه به کار می‌گیرد تا وحی محمدی را بر اساس مبانی تجربه دینی تبیین کند. وی این کار را در کتابهای: فربه‌تر از ایدئولوژی، صراطهای مستقیم، قبض و بسط شریعت، بسط تجربه نبوی و سایر آثارش نظیر برخی مقالات و سخنرانیها به انجام رسانده است.^{۴۰}

همچنین محمد مجتهد شبستری وحی اسلامی را بر تجربه دینی تفسیر کرده است. او در مقالاتی که در شماره های ۲۸ و ۲۹ مجله کیان منتشر شده است بر چنین تفسیری از وحی اسلامی تأکید کرده و اثر هرمنوتیک کتاب و سنت را بر اساس مبانی تجربه دینی به نگارش در آورده است.^{۴۱}

برخی اندیشمندان عرب زبان نیز، وحی را در برخی آثارشان بر تجربه دینی تفسیر نموده‌اند و محمد ارغون^{۴۲} و نصر حامد ابو زید از جمله آنها هستند.

نتیجه و جمع بندی بحث

بنابر این بشر از عصر کهن برای فهم حقیقت وحی یا توجیه آن و یا ایراد شبهه بر آن بر آمده است و این تلاش بشری موجب پیدا شدن نظریه‌های متعدد و گاه متعارض پیرامون وحی گردیده است. پژوهش جامعی از سوی محققان مسلمان که گویای تفاوتها، تشابهها، تناقضها و تعارضهای نظریه‌های مذکور باشد صورت نگرفته است. ضرورت این تحقیق آن گاه روشن می‌شود که، توجه کنیم که وحی، اولاً از مسایل مهم و حساس نبوت عامه است و ثانیاً از مباحث قرآنی - روایی و کلامی - فلسفی است که حق آن در مباحث و کتب تفسیری، کلامی و فلسفی به طور کامل ادا نشده است و دانشمندان مسلمان و عالمان ادیان دیگر به صورت پراکنده از آن بحث کرده‌اند. تنها از چهار تألیف می‌توان نام برد که در این زمینه تدوین شده است که عبارتند از: «الوحی المحمدی» نوشته محمد رشیدرضا^{۴۳}، «وحی یا شعور مرموز» تألیف محمدحسین طباطبایی^{۴۴}، «تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت» نوشته محمدباقر سعیدی روشن^{۴۵} و «وحی و افعال

گفتاری»، تألیف علیرضا قائمی نیا^۱، هر یک از تألیفات مذکور محدودیتهایی را رعایت کرده‌اند که میدان پژوهشهای جدید را باز نگاه داشته است. محدودیت نخست این تألیفات به سؤالات اصلی و فرعی پیرامون وحی مربوط است؛ زیرا این تألیفات به بخشی از سؤالات اصلی و فرعی پیرامون وحی پرداخته‌اند. محدودیت دوم این تألیفات در بررسی و نقد نظریه‌های وحی است. در این کتابها، همه نظریه‌های وحی، طرح و بررسی و نقد نشده است و کمیت این مسأله در هر یک از تألیفات مختلف است. برخی به نظریه‌های کمتر و برخی بیشتر پرداخته‌اند، ولی هیچ کدام از جامعیت لازم برخوردار نیستند. محدودیت سوم کتابهای یاد شده، این است که آیات مربوط به وحی را دسته‌بندی و تقسیم‌بندی نکرده‌اند تا بر اساس چنین نگرشی به بحث پردازند.

بنابراین طرح نظریه‌های وحی و بحث جامع از آن، یک نیاز اساسی در مطالعات حوزه دین است. چنین پژوهشی دو هدف را محقق می‌سازد:

هدف اول دستیابی به نظریه وحی در قرآن و پاسخ به این سؤال کلیدی و بنیادی است که قرآن ماهیت وحی و سرشت معرفت وحیانی یا شعور پیامبری را چگونه تبیین می‌کند؟

سه سؤال فرعی از این سؤال اصلی به شرح زیر بیرون می‌آید:

- ۱- طبق نظر قرآن، ماهیت ابزار گیرنده و قابل وحی، در پیامبر چیست؟ آیا آن از نوع ادراکات فرا روان شناختی است؟ یا از جمله ادراکات همگانی بشری و از نوع ادراکات روان شناختی محسوب می‌شود؟
- ۲- طبق نظر قرآن، آیا مبدأ وحی و شعور پیامبری بیرون از نفس پیامبر است؟ یا منشأ آن، درون نفس پیامبر است؟ آیا این مسأله در وحی مستقیم و غیر مستقیم فرق می‌کند؟ یا منشأ وحی در تمامی اقسام وحی یکی بیش نیست؟
- ۳- طبق نظر قرآن، جایگاه شعور ویژه پیامبری در کجای وجود پیامبر قرار دارد؟

هدف دوم، بررسی و نقد سایر نظریه‌های وحی بر اساس یافته‌های تحقیق در نظریه وحی در قرآن است؛ زیرا که وحی رابطه خاص میان پیامبران و خداست و

تنها پیامبران این ارتباط خاص را درک شهودی کرده‌اند و سایر انسانها از آن بی بهره‌اند. بنابراین تفسیر چنین حقیقتی نیز، تنها با استفاده از خود وحی و گفتار پیامبران ممکن و میسر است. این است که در تحلیل وحی و ارتباط خدا و پیامبر نمی‌توان به روشهای تجربی و یافته‌های ذهنی اکتفا کرد؛ حتی به کتب مقدس کنونی مسیحی - یهودی نمی‌توان استناد کرد؛ زیرا که این گونه متون وحیانی - نظیر تورات و انجیل اصلی - به تدریج از بین رفته‌اند و متونی که امروزه در دست یهودیان و مسیحیان - اعم از عهد قدیم و جدید - هستند، یک نوع کتب تاریخی و گزارشهایی هستند که از مذاهب پیامبران یهود و مذهب مسیحیت باقی مانده‌اند و گاهی نیز، در این کتب تاریخی، حقایق وحیانی گزارش شده‌اند، ولی در این متون حق و باطل به هم آمیخته شده‌اند؛ لذا متکلمان و فیلسوفان جدید یهودی - مسیحی کتب مقدس را مقدس محسوب نمی‌دانند و آنها را سندهای تاریخ و گزارشهای عهد کهن و جدید و تاریخ سرنوشت ادیان گذشته به حساب می‌آورند^{۴۷}؛ لذا تنها متن وحیانی‌ای که می‌توان بدان به عنوان وحی خدا استناد کرد قرآن کریم است. به این دلیل که قرآن، یکی از مصادیق متون وحیانی مصون مانده از هرگونه تغییر و تحول و تحریف است. اندازه اطمینان به قرآن تا حدی است که همه علمای اصول قرآن را با عنوان «قطعی‌الصدور» نام می‌برند. مراد آنها از این اصطلاح تردید ناپذیری متن وحیانی قرآن در پیشگاه علمای اصول است. نگرش فلاسفه، متکلمان و سایر اندیشمندان مسلمان نیز، چنین است. قرآن متن وحیانی است که علاوه بر قطعی‌الصدور بودنش، همیشه در میان مردم موجود خواهد بود و از دستبرد آنان مصون خواهد ماند. در آیه نه، سوره حجر، حفاظت و مصونیت آن از جانب خداوند عالم تضمین شده است:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَآنَا لَهُ لِحَافِظُونَ» همانا ما این قرآن را (به تدریج) نازل

کرده‌ایم و بی‌تردید نگهبان آن خواهیم بود.^{۴۸}

این است که می‌گوییم نظریه وحی را تنها از متن وحیانی قرآن می‌توان کشف و تحصیل کرد و در تحقیق تنها به قرآن می‌توان استناد نمود و باید روایات

معضوم (ع) را ترجمان وحی دانست و سایر متون مقدس را تنها در تطابقتشان با متن قرآن استناد کرد. میزان و ملاک صحت و بطلان سایر نظریه‌ها نیز، نظریه قرآن است. صحت سایر نظریه‌ها، بسته به این است که چقدر به قرآن نزدیک یا دورند؛ چنان که اندازه انحراف و بطلانشان در فاصله گرفتن از آن است.

پی‌نوشتها

- ۱- این نظریه‌ها در وحی تشریحی طرح شده‌اند و در وحی تکوینی اختلافی وجود ندارد.
- ۲- قرآن، سوره طور، آیه ۲۹ و سوره حاقه، آیه ۴۲.
- ۳- همان، سوره مؤمنون، آیات ۲۳ و ۲۵، سوره ذاریات آیات ۳۹ و ۵۲، سوره قمر، آیه ۹، سوره شعرا آیه ۱۵۳، سوره حجر آیه ۶، سوره صافات آیه ۳۶، سوره دخان آیه ۱۴، سوره سبا آیات ۷ و ۸، سوره قلم آیه ۵۱.
- ۴- همان، سوره شعرا آیات ۲۲۴-۲۲۶، سوره طور آیه ۳۰، سوره صافات آیه ۳۶، سوره انبیا آیه ۵.
- ۵- همان، سوره مطفین آیه ۱۳، سوره نحل آیه ۲۴، سوره نمل آیه ۶۸، سوره انعام آیه ۲۵، سوره احقاف آیه ۱۷، سوره انفال آیه ۳۱، سوره قلم آیه ۱۵، سوره فرقان آیات ۴ و ۵.
- ۶- همان، سوره ذاریات آیه ۵، سوره اعراف آیه ۱۰۹، سوره یونس آیه ۷۶، سوره اسراء آیه ۱۰۱، سوره شعرا آیات ۳۴ و ۴۹ و ۱۵۶، سوره نمل، آیه ۱۳، سوره قصص آیه ۴۸، سوره زخرف آیه ۵۰، سوره مدثر، آیه ۴، سوره یونس آیه ۲، سوره هود آیه ۷، سوره فرقان آیه ۸، سوره قصص آیه ۴، سوره اسراء آیه ۴۷، سوره انبیا آیه ۳.
- ۷- همان، سوره نحل آیات ۱۰۳-۱۰۵.
- ۸- همان، سوره جن آیات ۱-۱۷، سوره شعرا آیات ۲۱۲-۲۱۰ و ۲۲۳-۲۲۰، سوره حج آیه ۵۲.
- ۹- همان، سوره انبیا آیات ۶-۵.
- ۱۰- همان، سوره ص آیات ۷-۴، سوره نجم آیات ۴-۱، سوره یونس آیات ۱۶-۱۵، سوره حاقه آیات ۴۷-۴۴.
- ۱۱- همان، سوره هود آیات ۲۷ و ۳۵، سوره شعرا آیه ۱۸۶، سوره قصص آیه ۳۸، سوره اعراف آیه ۶۶، سوره یس آیات ۱۵-۱۴، سوره مؤمنون آیات ۳۹-۳۸ و ۴۴، سوره شوری آیه ۲۴، سوره انبیا آیه ۵، سوره سبا آیه
- ۱۲- فرید وجدی، دایرةالمعارف القرن الرابع عشر، ج ۱۰ ذیل عنوان وحی.
- ۱۳- درمنگام، زندگی محمد.
- ۱۴- فرید وجدی، همان.
- ۱۵- رشید رضا، الوحی المحمدی: ۳۸.
- ۱۶- مهاجرانی، نقد توطئه آیات شیطانی.
- ۱۷- فروید، آینده یک پندار.

- ۱۸- یونگ، روان‌شناسی و دین و همو، انسان و سمبولهایش.
- ۱۹- جیمز، دین و روان.
- ۲۰- الستون، تبیین‌های روانشناختی از دین، ۱۳۷۴، شماره پنجم و متین جر، خودشناسی، ترجمه ساعدی و مجیدپوره، نبوغ و علل آن.
- ۲۱- مهاجرانی، همان.
- ۲۲- شیخ مفید، اوائل المقالات، المجلد الرابع: ۱۱-۱۳.
- ۲۳- غزالی، معارج القدس فی مدارج معرفه النفس: ۱۰۷.
- ۲۴- جرجانی، شرح المواقف: ۲۱۷.
- ۲۵- صبحی، صالح، بزوهشهایی درباره قرآن و وحی، ج ۱: ۳۲-۳۳.
- ۲۶- عبده، رساله التوحید: ۵۷.
- ۲۷- رشیدرضا، الوحی المحمدی.
- ۲۸- ذهبی، الوحی و القرآن الکریم: ۱۰.
- ۲۹- طباطبایی، وحی یا شعور مرموز، با مقدمه و باورقی ناصر مکارم شیرازی: ۱۵۷-۱۵۸.
- ۳۰- مطهری، ختم نبوت: ۷-۸.
- ۳۱- سبحانی، منشور جاوید، ج ۱۰: ۲۲۰-۲۱۹.
- ۳۲- سعیدی روشن، تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت: ۳۴.
- ۳۳- فارابی، السیاسة المدنیة و همو، آراء اهل المدینة الفاضله و المضاداتها.
- ۳۴- ابن‌سینا، الالهیات من الشفا، مقاله پنجم، فصل ششم و مقاله دهم، فصل اول و همو، الاشارات، نمط نهم، فصل چهارم و نمط دهم، فصل بیستم.
- ۳۵- لاهیجی، گوهر مراد.
- ۳۶- شبلی، سوانح مولوی رومی: ۹۴-۹۲.
- ۳۷- همایی، مولوی نامه و مولوی چه می‌گوید، ج ۱: ۱۴۰، ۱۲۹، ۲۸۱ و همو، ج ۲: ۲۶۰.
- ۳۸- تهرانی، عارف و صوفی چه می‌گوید.
- ۳۹- اقبال لاهوری، احیای فکر دینی در اسلام.
- ۴۰- برای دیدن نظریه وی منابع زیر ملاحظه گردد:
- سروش، بسط تجربه نبوی و همو، فربه‌تر از ایدئولوژی و همو، صراط‌های مستقیم و همو، قبض و بسط شریعت همو، ایدئولوژی شیطانی.

درآمدی بر پیشینه تحقیق در وحی اسلامی / ۶۱

- ۴۱- مجتهد شبستری، مدرنیسم و وحی، مجله کیان، ش ۲۹: ۲۰-۱۸ و همو، هرمنوتیک کتاب و سنت
- ۴۲- ارغون، اسلام دیروز و امروز.
- ۴۳- رشیدرضا، الوحی المحمدی.
- ۴۴- طباطبایی، محمد، وحی یا شعور مرموز.
- ۴۵- سعیدی‌روشن، تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت.
- ۴۶- قائمی‌نیا، علیرضا، وحی و افعال گفتاری، تهران.
- ۴۷- باربور، ایان، علم و دین: ۲۷۵ - ۲۷۴.
- ۴۸- قرآن، سوره حجر، آیه ۹.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- فرید وجدی، محمد؛ دایرةالمعارف القرن الرابع عشر، ج ۱۰، بیروت، دارالمعرفه.
- ۳- رشید رضا، محمد؛ الوحی المحمدی، بیروت، مکتبه القاہرہ، بی‌جا، ۱۹۶۰ م.
- ۴- مهاجرانی، عطاءالله؛ نقد توطئه آیات شیطانی، تهران، اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- ۵- فروید، زیگموند؛ آینده یک پندار، ترجمه هاشم رضی، تهران، انتشارات آسیا، بی‌جا، ۱۳۷۵.
- ۶- یونگ، کارل گوستاو؛ روان‌شناسی و دین، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، بی‌جا، ۱۳۵۲.
- ۷- -----، انسان و سمبولهایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۵۲.
- ۸- جیمز، ویلیام؛ دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- ۹- الستون، ویلیام پی؛ تبیینهای روانشناختی از دین، ترجمه غلامحسین متوکلی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سال دوم، ۱۳۷۴، شماره پنجم.
- ۱۰- متین جر، ویلیام؛ خودشناسی، ترجمه ساعدی.

- ۱۱- مجیدپور، عزت الله؛ نبوغ و علل آن.
- ۱۲- شیخ مفید، محمدبن نعمان؛ مصنفات الشيخ المفید، اوائل المقالات، المجلد الرابع، قم، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳.
- ۱۳- غزالی، محمد؛ معارج القدس فی مدارج معرفه النفس، مصر.
- ۱۴- جرجانی، سید شریف علی؛ شرح المواقف، قم، منشورات الشریف الرضی، بی جا، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۵- صبحی، صالح؛ پژوهشهایی درباره قرآن و وحی، ج ۱، ترجمه محمد مجتهد شبستری، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- عبده، محمد؛ رساله التوحید، مصر، بی نا، بی جا، ۱۳۸۵ ق.
- ۱۷- ذهبی، محمد حسین؛ الوحی و القرآن الکریم، بیروت، مکتبه الوهییه، بی جا، ۱۴۰۶ ق.
- ۱۸- طباطبایی، محمد حسین؛ وحی یا شعور مرموز، با مقدمه و پاورقی ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات دارالفکر.
- ۱۹- مطهری، مرتضی؛ ختم نبوت، قم، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۵۷.
- ۲۰- سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید، ج ۱۰، قم، توحید، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۲۱- سعیدی روشن؛ محمد باقر، تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت، قم، مؤسسه فرهنگی اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۲۲- فارابی، محمد؛ السیاسه المدنیه، ترجمه ملکشاهی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۲۳- -----؛ آراء اهل المدينة الفاضله و المضاداتها، مصر، مطبعة محمد علی سبیح.

۲۴- ابن سینا، حسین؛ الالهیات من-الشفاء، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴، مقاله پنجم، فصل ششم و مقاله دهم، فصل اول.

۲۵- -----؛ الاشارات، تهران، المکتبه المرتضویه، بی جا، ۱۳۱۶ ش، نمط نهم، فصل چهارم و نمط دهم، فصل بیستم.

۲۶- لاهیجی، عبدالرزاق؛ گوهر مراد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، بی جا، ۱۳۷۲.

۲۷- شبلی، نعمانی؛ سوانح مولوی رومی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلان، تهران.

۲۸- همایی، جلال الدین؛ مولوی نامه و مولوی چه می گوید، ج ۱، تهران، انتشارات آگاه، بی جا، ۱۳۶۲.

۲۹- تهرانی، جواد؛ عارف و صوفی چه می گوید، تهران، چاپخانه بزرگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

۳۰- اقبال لاهوری؛ محمد، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، رسالت قلم.

۳۱- سروش، عبدالکریم؛ بسط تجربه نبوی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۳۷۸۴

درآمدی بر پیشینه تحقیق در وحی اسلامی / ۶۵

- ۳۲- ----- ؛ فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ ششم، ۱۳۷۸. همو، صراط‌های مستقیم، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳۳- ----- ؛ قبض و بسط شریعت، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۳۴- ----- ؛ ایدئولوژی شیطانی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ هشتم، ۱۳۷۹.
- ۳۵- مجتهد شبستری، محمد؛ مدرنیسم و وحی، مجله کیان، ش ۲۹، سال پنجم، ۱۳۷۴.
- ۳۶- ----- ؛ هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۳۷- ارغون، محمد؛ اسلام دیروز و امروز، نگرشی نو به قرآن، ترجمه توسلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۳۸- سعیدی‌روشن، محمدباقر؛ تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت، قم، مؤسسه فرهنگی اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۵. ش. .
- ۳۹- قائمی‌نیا، علیرضا؛ وحی و افعال گفتاری، تهران، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۴۰- باربور، ایان؛ علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۲۷۸۷